

حمایت از تولیدات ملی و قاعده نفی سیل*

- علی اکبر جلائیان نیا^۱
- قاسم جعفری^۲
- علیرضا پور بافرانی^۳
- فهیمه یزدانی^۴

چکیده

مفهوم تولید ملی، در حقیقت یکی از ابعاد مهم انقلاب اسلامی در موضوع استقلال است. استقلال به مفهوم واقعی اش، ترجمان قاعده «نفی سیل» است. این قاعده فقهی برگرفته از آیه شریفه قرآن ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾ است و معنی آن این است که خداوند اجازه هیچ گونه وابستگی در جامعه اسلامی نمی‌دهد. توجه به تولید ملی و افزایش آن، به معنای خودکفایی در آن زمینه و دست یافتن به استقلال اقتصادی است. البته توجه به این نکته ضروری است که

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۰۵.

jala120@yahoo.com

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۲. استادیار دانشگاه پیام نور، نماینده مجلس شورای اسلامی از استان خراسان شمالی

moqimi nima@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه پیام نور

poorbafrani@pnu.ac.ir

۴. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسؤول)

yzdani fahimeh@yahoo.com

پذیرش اندیشه نفی سبیل به معنای قطع ارتباط با دیگر کشورها نیست. در نگارش حاضر، نگارنده با بررسی قاعده نفی سبیل و حمایت از تولیدات ملی، به ارتباطی بدیع بین این دو موضوع رسیده است که عبارت است از حمایت از تولیدات ملی یکی از مقدمات واجب قاعده نفی سبیل است. واژگان کلیدی: قاعده نفی سبیل، استقلال اقتصادی، حمایت از تولیدات ملی، خودکفایی.

مقدمه

در این جهان گسترده که با شتاب به سوی دهکده بزرگ جهانی به پیش می‌رود و روابط انسان‌ها بسیار نزدیک شده، تنظیم قوانین حاکم بر روابط ملت‌ها و ملیت‌ها بسیار ضروری است. ما مسلمانان نیز، از این قاعده جدا نیستیم. باید به تنظیم قوانین شریعت خویش، در زمینه ارتباط با دیگر ملت‌ها و ملیت‌ها پردازیم (مهریزی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۵). یکی از اصول حاکم بر سیاست خارجی اسلام، که بر تمام روابط بین‌المللی اسلام در زمینه‌های گوناگون حاکمیت دارد، اصل مهم و اساسی «نفی سلطه» یا قاعده «نفی سبیل» است. براساس این قاعده، هرگونه سلطه‌پذیری مسلمان از کافر، ممنوع است. در صورت عملی شدن این قاعده فقهی، کفار و بیگانگان کوچک‌ترین راه نفوذ و تسلط سیاسی، اقتصادی و... بر مسلمانان نخواهند داشت. این قاعده محکم فقهی ضامن حفظ استقلال اسلام و مسلمانان در تمام زمینه‌هاست.

قدما اعم از شیعه و سنی به طور مستقل، تحت عنوان قاعده «نفی سبیل» به موضوع پرداخته‌اند، بلکه در مواردی خاص به طور مقطعی و کاربردی با استناد به آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ - که به آیه نفی سبیل معروف است - در کتب فقهی، فتوای خود را بیان نموده‌اند و گاهی به دنبال آن به احادیثی که بیان‌گر نفی سلطه کافر بر مسلمان است تمسک جسته‌اند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۸)، (همان، ج ۳، صص ۱۳۸-۱۸۸-۴۵۳-۱۹۰)، (همو، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۲۹)، (طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲۷)، (راوندی،

۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۱۲)، (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۸)، (همو، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۸۹)، (همان، ج ۱۰، ص ۱۹) و... البته متأخرین، کم و بیش به این قاعده توجه و پیرامون آن بحث کرده‌اند (لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳۳)، (گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۹)، (مصطفوی، ۱۴۲۳، ص ۱۷۴)، (مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۳۵)، هم‌چنین در مورد حمایت از تولیدات ملی تحقیقاتی شده است. ولی این که حمایت از تولیدات ملی را از نظر یک قاعده فقهی و به عنوان یک ارزش دینی مورد توجه قرار داده باشند، فقط در حد یک سخنرانی یا گزارش بوده است.

این مقاله، موضوع «حمایت از تولیدات ملی» را به عنوان یک ارزش دینی مورد بررسی قرار داده، زیرا هرگاه عملی دارای ارزش دینی باشد، مردم با میل و رغبت بیشتری به آن عمل می‌کنند. از طرفی حمایت از تولیدات ملی باعث رونق اقتصادی کشور و استحکام حکومت اسلامی می‌شود و نتیجه قاعده نفی سبیل نیز همین است.

برای عملی شدن این قاعده در حکومت اسلامی باید به اقتصاد و توسعه آن توجه ویژه نمود. یکی از مهم‌ترین مبانی و اهداف اقتصاد در حکومت دینی، تلاش در جهت حصول قطع وابستگی اقتصادی به دیگر کشورهاست. به عبارت دیگر، یکی از ارکان اصلی پیشرفت یک کشور استقلال اقتصادی آن است، چرا که وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی را نیز به دنبال خواهد داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به این نکته اشاره فرمودند که اگر می‌خواهیم به استقلال اقتصادی دست پیدا کنیم باید به تولیدات ملی احترام بگذاریم و از آن حمایت کنیم (۹۱/۲/۱۰).

این نوشتار با توجه به لزوم حمایت از تولیدات ملی و نقش بارز آن در استقلال کشور به بررسی ارتباط حمایت از تولیدات ملی و قاعده نفی سبیل می‌پردازد. لذا، ابتدا به بیان مقدمات نظری پژوهش پرداخته و سپس با استفاده از

اقوال فقها و با کمک قواعد اصولی به این نتیجه رسیده که حمایت از تولیدات ملی، یکی از مقدمات واجب «قاعده نفی سیل» است.

۱. مبانی و مقدمات نظری پژوهش

۱.۱. معنانشناسی قاعده

۱.۱.۱. قاعده در لغت

جمع قاعده، قواعد است. در لغت، پایه و اساس چیزی را گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۹؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۵۵۶۶؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۵۷؛ حسینی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۰۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۷). خواه مادی باشد، مانند قواعد (پایه‌های) ساختمان و خواه معنوی، مانند قواعد دین که به معنای ارکان و ستون‌های دین است. در قرآن هم قواعد به همین معنی آمده است ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ﴾.

معنای اصطلاحی قاعده، رابطه تنگاتنگی با معنای لغوی آن دارد، قاعده امری است کلی که بر تمامی جزئیات خود منطبق باشد.

۲.۱. قواعد فقهی

برای قواعد فقهی تعاریفی بیان شده است که هر یک به جنبه‌ای از تفاوت‌های یک قاعده فقهی با سایر قواعد اشاره دارد. از جمله این که قواعد فقهی، قواعدی است که در راه به دست آوردن احکام شرعی الهی واقع می‌شوند، ولی این استفاده از باب استنباط و توسط نبوده بلکه از باب تطبیق است (موسوی خویی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸). برای مثال «قاعده نفی سیل» که یکی از مصادیقش «حمایت از تولیدات ملی» است.

۳.۱. مفهوم قاعده نفی سبیل

یکی از قواعد فقهی که در اکثر ابواب فقه مثل معاملات، نکاح، ولایات و ارث کاربرد داشته و از اصول حاکم بر سیاست خارجی و اقتصادی حکومت اسلامی هست، «قاعده نفی سبیل» است. قاعده نفی سبیل، اصل مترقی و کارآمدی است که استقلال و عزت مسلمانان را به شایستگی تضمین می‌کند.

خداوند تبارک و تعالی در تشریح احکام، حکمی را جعل نکرده است که از ناحیه آن علو و چیره شدن کافران بر مسلمانان، فراهم آید (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۱۸۷-۱۸۸).

لسان قاعده نفی سبیل، حکومت واقعی^۱ است بر ادله اولیه؛ یعنی به مقتضای این قاعده هر عقد، پیمان، هر معامله، ایقاع و قراردادی، به حسب طبع اولی‌اش، اگر موجب علو و عزت و شرف کافر بر مسلم بشود منفی است و اعتبار حقوقی ندارد. بنابراین دلالت این قاعده، حکومت واقعیه است بر ادله اولیه (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۵۸).

به عنوان مثال بر طبق اطلاق ادله صحت بیع، خرید قرآن توسط کافر باید صحیح باشد. ولی براساس این قاعده، این خرید و فروش ممنوع است. به عبارت دیگر، این قاعده در پی حفظ سیادت و برتری مسلمانان است و می‌خواهد از تسلط کفار بر مسلمانان در حوزه‌های مختلف جلوگیری نماید.

حوزه اقتصاد یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که کفار در پی برتری جویی و تسلط بر مسلمانان هستند، چرا که ضعف اقتصادی در یک دولت باعث برتری و سلطه کشورهای دیگر بر آن می‌شود. البته این به معنای نفی رابطه اقتصادی با جهان نیست، بلکه نفی سلطه اقتصادی است. در نتیجه با توجه به قاعده نفی سبیل باید از تسلط اقتصادی کفار ممانعت نمود؛ که یکی از راه‌های آن حمایت از تولیدات مسلمانان است.

۲. مستندات قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل به هر یک از ادله چهارگانه (قرآن، حدیث، اجماع و عقل) قابل استناد است، اما مقبول‌ترین و گویاترین سند قرآن است؛ به گونه‌ای که واژه‌های به کار رفته در قاعده از واژه‌های قرآنی آن انتخاب گردیده است.

الف - قرآن

﴿... وَ لَنْ یَجْعَلَ اللهُ لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیْلًا﴾ (نساء/۱۴۱)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

ظاهر آیه این است که خداوند، راه و حکمی را که موجب تسلط کفار بر مسلمانان شود، جعل نکرده است (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹۳). و دلالت دارد بر یک قاعده فقهی معتبر که بر ادله اولیه، مقدم است و حکومت واقعی دارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۵۲).

ب - حدیث

دومین مستند و مدرک حجیت قاعده نفی سبیل، روایت مشهور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«الإِسْلَامُ یَعْلُو وَ لَا یُعْلَى عَلَیْهِ، وَ الْکُفْرُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ لَا یَحْجُبُونَ وَ لَا یرِثُونَ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۲۵)؛ «اسلام نسبت به سایر مکاتب و ملل، برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری و چیرگی ندارد و کافران به منزله مردگانند».

این روایت دلالت دارد که اسلام موجب برتری مسلمانان بر غیرمسلمان است که خداوند آن را عطا فرموده است و این علو غیر از آن معنویاتی است که هر مسلمانی واجد آن است. در واقع، شارع مقدس نمی‌خواهد از یک امر واقعی خبر دهد، بلکه در مقام قانون گذاری است که می‌گوید: هیچ چیز نمی‌تواند بر اسلام علو و سبیل داشته باشد (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۰).

ج - اجماع

دلیل سوم بر اثبات قاعده نفی سیل ادعای اجماع است (ر.ک: حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۱۴). علاوه بر این تمامی فقهای اسلام این معنا را قبول کرده‌اند که هر حکمی که موجب علو و چیرگی کافر بر مسلمان شود منتفی است (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ۳۵۷).

د - عقل (مناسبت حکم و موضوع)

خداوند برای مؤمنان شرف و عزتی ویژه قرار داده و عزت مؤمنان را ردیف عزت خود و رسولش قرار داده است. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾. به مقتضای این شرف و عزت، نمی‌توان احکام و قوانینی وضع کرد که زمینه ذلت و استخفاف مؤمنان و علو کفار شود. بلکه عقل حکم می‌کند که تمامی احکام باید سبب عزت مسلمانان باشد (همان، ج ۱، صص ۳۵۷-۳۵۸).

۳. مفهوم حمایت از تولیدات ملی

در اقتصاد مد نظر اسلام، سعی بر این است که با استفاده از سلاح پویای اقتصاد، حاکمیت سیاسی دولت اسلامی در روابط با بیگانگان حفظ شود، زیرا در روابط خارجی بین دولت‌ها، مناسبات اقتصادی و سیاسی بسیار به هم پیوسته و درهم تنیده‌اند. دولت‌های اسلامی وظیفه دارند از هر عملی که راه نفوذ کفار را برای تسلط بر مسلمانان می‌گشاید، خودداری کنند و پیشاپیش راه‌های نفوذی آنان را با تدبیر و سیاست ببندند و از آن‌جا که بزرگ‌ترین راه نفوذ آنان، تأمین نیازمندی‌های اقتصادی است، از این رو اعمال سیاست اقتصادی خودکفا و همیاری عموم اقشار در قطع وابستگی و بستن راه‌های نفوذی آنان، از مهم‌ترین مسؤولیت‌های ملت اسلامی است.

توجه به تولید ملی از طریق حمایت از تولید کننده داخلی و ترویج مصرف

کالاهای آنها، زمینه رشد اقتصادی و خوداتکایی یک کشور را فراهم می‌کند. کشوری که در عرصه صنعت و اقتصاد خود کفا و متکی به خود باشد، در میدان‌های بین‌المللی حرف برای گفتن دارد و تصمیمات و تمهیدات جهانی او را به وحشت و تسلیم نمی‌کشاند (زنگنه فرد، ۱۳۹۱/۱۱/۱۷).

حمایت از تولیدات ملی و مصرف کالاهای داخلی، یکی از اساسی‌ترین روش‌های مقابله با نفوذ و استعمار دشمنان و تحریم‌های اقتصادی است که موجب تقویت و شکوفایی اقتصاد ملی نیز خواهد بود. تمرکز کشور بر تولید ملی، به تقویت و تحکیم زیرساخت‌های کشور می‌انجامد، استقلال کشور را تضمین می‌کند، زمینه‌ها و فرصت‌های اشتغال را گسترش می‌دهد و می‌تواند راه کارهای منطقی و عینی برای حل معضل بیکاری، قلمداد شود. در سایه تولید، می‌توان از فقر و محرومیت کاست، بر توسعه و آبادانی افزود، شور و نشاط کار و تلاش را بالا برد، بیکاری را کاهش داد و مهارت‌های علمی و اقتصادی را بیشتر کرد (محمدی متکازینی، ۱۳۹۱، صص ۲۸-۲۷). قاعده نفی سیل درست به همین موضوع اشاره دارد که مسلمانان اجازه ندارند، راه غلبه و تسلط دشمنان را باز کنند. پس می‌توان گفت که حمایت از تولیدات ملی در کشور اسلامی، باعث عزت مسلمانان می‌شود و از سلطه و سیل کافران بر مسلمانان جلوگیری می‌کند.

۴. قاعده نفی سیل در قانون اساسی

به طور تقریبی تمام اصولی که در قانون اساسی ایران به سیاست خارجی آن مربوط می‌شود، متأثر از قاعده نفی سیل است. در همین رابطه در بند ششم اصل دوم، جمهوری اسلامی را به عنوان نظامی معرفی می‌کند که سلطه و استعمارگری را نفی می‌کند:

«نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، ...».

همچنین در بند پنجم اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب می‌کند. اصول ذکر شده از قانون

اساسی که براساس و به استناد قاعده فقهی نفی سبیل و متأثر از نگرش فقها و روحانیون تدوین شده است، نقش تأثیرگذار و پایدار در سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های ملی ایران اسلامی داشته و دارد.

در بند هشتم اصل چهل و سوم نیز برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه جمله: «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور» آورده شده است. این اصل در قالب سیاست نفی سبیل اقتصادی چهره می‌نماید و نقش بازدارندگی و آگاهی بخشی به ملت ایران و مسلمانان دارد. در جهت تضمین این هدف، اصل هشتم و یکم قانون اساسی به صراحت بیان می‌دارد که:

«دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است».

علاوه بر این، اصل هشتم، گرفتن وام و کمک‌های بدون عوض را از دولت‌های خارجی منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌داند. در ادامه - اصل هشتم و دوم - با صراحت بیان می‌دارد:

«استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت، با تصویب مجلس شورای اسلامی».

اصول ذکر شده را به نوعی می‌توان بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل دانست که بعد از ابعاد فرهنگی و سیاسی از اهمیت و اولویت بالایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی با سایر دولت‌های غیر اسلامی برخوردار است.

اصل یکصد و پنجاه و دوم اعلام می‌دارد:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».

همچنین براساس اصل یکصد و پنجاه و سوم، هرگونه قرارداد که موجب

سلطهٔ بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است. در اصول مذکور می‌توان تأثیر قاعدهٔ نفی سیل بر استقلال اقتصادی و روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از نگرش قانون اساسی به روشنی ملاحظه کرد.

یکی دیگر از نتایج قاعدهٔ نفی سیل در قانون اساسی استقلال در ارتش و نظام می‌باشد و بر همین اساس در دو اصل یکصد و چهل و پنجم و ششم خود بیان می‌دارد:

«هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود. استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است».

البته این مسأله شایان ذکر است که کمک گرفتن مسلمانان از غیر مسلمانان (اعم از فرد، جامعه، دولت) در مسائل فنی و صنعتی، مانند پزشکی، صنعت، زراعت و فنون زراعی و... اشکال ندارد، مشروط بر این که خود این‌ها مقدمهٔ سلطهٔ اقتصادی و سیاسی و... بیگانگان نشوند.

البته این مسأله شایان ذکر است که کمک گرفتن مسلمانان از غیر مسلمانان (اعم از فرد، جامعه، دولت) در مسائل فنی و صنعتی، مانند پزشکی، صنعت، زراعت و فنون زراعی و... اشکال ندارد، مشروط بر این که خود این‌ها مقدمهٔ سلطهٔ اقتصادی و سیاسی و... بیگانگان نشوند.

۵. روابط با دیگر ملل در اسلام

روابط با دیگران، یکی از نیازهای بشر است. انسان‌ها بدون ارتباط با افراد دیگر و حکومت‌ها بدون ارتباط با حکومت‌های دیگر، نمی‌توانند به زندگی خود ادامه دهند. لازمهٔ زندگی اجتماعی پیوند با هم‌نوعان در همهٔ عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. اسلام نیز آئینی جامع، فراگیر و جاودانه هست. دین اسلام اصول استوار و ارزش‌های مسلمی دارد که پیروان آن ناگزیر بر

حفظ و پای‌بندی به آنها هستند. اسلام هرگونه ارتباط و پیوستگی را با غیر مسلمانان، براساس حاکمیت آن اصول و ارزش‌ها مشروع می‌داند.

تأمل در آیات نخست سوره مبارکه ممتحنه که ترسیم‌کننده سیاست خارجی مسلمانان با کافران و مشرکان و پیروان دیگر ادیان الهی است، تبیین‌کننده این موضوع هست.

آیت‌الله مکارم شیرازی در رابطه با تفسیر این آیات فرموده‌اند:

«از این آیات «یک اصل کلی و اساسی» در چگونگی رابطه مسلمانان با غیرمسلمین استفاده می‌شود، نه تنها برای آن زمان که برای امروز و فردا نیز ثابت است و آن این که مسلمانان موظف‌اند در برابر هر گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آنها داشته باشند و بر ضد اسلام و مسلمین قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری دهند سرسختانه بایستند و هرگونه پیوند محبت و دوستی را با آنها قطع کنند. اما اگر آنها در عین کافر بودن نسبت به اسلام و مسلمین بی‌طرف بمانند و یا تمایل داشته باشند، مسلمین می‌توانند با آنها رابطه دوستانه برقرار سازند، البته نه در آن حد که با برادران مسلمان دارند و نه در آن حد که موجب نفوذ آنها در میان مسلمین گردد. و اگر جمعیت یا دولتی جزو گروه اول باشند و تغییر موضع دهند و یا به عکس در گروه دوم باشند و مسیر خود را تغییر دهند باید وضع فعلی آنها را معیار قرار داد و طبق آیات فوق با آنها عمل کرد» (۱۳۸۵، ج ۲۴، ص ۳۳).

حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه در این باره می‌فرماید:

«اگر در روابط اقتصادی و غیر آن بر قلمرو اسلام و بلاد مسلمین، ترس باشد که بیگانگان بر آن، تسلط سیاسی یا غیر آن که موجب استعمار آنان یا استعمار بلادشان ولو از حیث فرهنگی می‌شود، پیدا کنند، بر همه مسلمین واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند، و این‌گونه روابط، حرام می‌باشد» (اسلامی و قاضی زاده، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۴۹).

ایشان، در تبیین مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید کردند: «روابط ما با تمام خارجی‌ها براساس اصل احترام متقابل خواهد بود، در این رابطه نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد و در زمینه تمام قراردادها ما براساس مصالح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت خودمان عمل خواهیم کرد. با همه دولتی که به احترام با ما رفتار کنند ما نیز با آنها به احترام متقابل رفتار خواهیم کرد» (۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۸).

ایشان همچنین در پاسخ به خبرنگار مجله آمریکایی تایم که پرسیده بود سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر چه مبنایی استوار خواهد بود فرمودند: «جمهوری اسلامی، با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قایل است در صورتی که آنها هم احترام متقابل قایل باشند» (همان، ج ۵، ص ۲۵۷). هم‌چنین اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مؤید این مطلب است که:

«به حکم آیه شریفه ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه/۸)؛ دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».

از آنچه گذشت می‌توان به این نتیجه رسید که نباید روابط با دیگر ملل، باعث سلطه و استیلا به کشور اسلامی شود، زیرا با نص قرآن در سوره مبارکه نساء در تضاد است.

﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾.

بنابراین حکومت اسلامی می‌تواند با کافران غیر محارب، در همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... ارتباط دیپلماتیک برقرار کند. بر این اساس،

برقراری هرگونه روابط تجاری با دولت‌های کافر جایز است، مگر آن که با «قاعده نفی سبیل» ناسازگار باشد (ر.ک: میرداداشی، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

بدیهی است که «قاعده نفی سبیل» هرگز به مفهوم قطع رابطه با دیگر دول و اتخاذ سیاست انزوا نیست، بلکه مراد از آن نفی رابطه استعمارگونه و سلطه‌جویانه‌ای است که استقلال ملی مسلمانان را از آنان سلب کند.

از سوی دیگر، عموم اقتصاددانان بر این باورند که گسترش تجارت خارجی و هم‌پیوندی اقتصادی هر کشور با سایر کشورها، یکی از عوامل رشد و توسعه اقتصادی است و البته مبانی علمی محکمی برای اثبات این ادعا وجود دارد (زمان‌زاده، ۱۳۸۹، ۲۲/۱۲۹). اما روند کنونی واردات در کشور موجب شده است که توانایی تولیدکنندگان داخلی در رقابت با تولیدکنندگان خارجی تضعیف شده و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی توجیه اقتصادی خود را از دست بدهند. با توجه به پیامدهای منفی روند کنونی واردات بر میزان تولید و اشتغال کشور، به طور قطع حمایت از تولید داخلی و افزایش رشد اقتصادی و به تبع آن حفظ و گسترش فرصت‌های شغلی در صدر فهرست اهداف مدیریت واردات، قرار دارد. با این حال باید توجه داشت که حمایت از تولید و اشتغال داخلی در برابر واردات کالاهای خارجی، نمی‌تواند از طریق بستن مرزهای کشور و ممنوع کردن واردات و ایجاد شرایط انحصاری برای تولیدکنندگان داخلی فراهم گردد، زیرا این روند اگرچه می‌تواند در کوتاه مدت، اثرات مثبت محدودی داشته باشد، اما در بلندمدت به تضعیف بیشتر تولید داخلی خواهد انجامید. بنابراین، حفظ فضای رقابتی و جلوگیری از انحصار در اقتصاد داخلی باید در کنار هدف حمایت از تولید داخلی قرار بگیرد (همان، ص ۲۳).

ارتباط قاعده نفی سبیل و حمایت از تولیدات ملی

دولت‌ها به تولید محصولات صنعتی، کشاورزی، خدماتی، اطلاعاتی و... توجه ویژه دارند و تلاش می‌کنند همه عوامل و اسباب در اختیار تولید قرار گیرد تا

حیات و بقای بشر استمرار یابد. امروزه اقتدار بشر و کشورهای جهان با شاخص ثروت اقتصادی، یا توان مالی که از تولید منتج می‌شود، اندازه‌گیری می‌شود. به همین دلیل است که تولید برای رسیدن به جایگاه واقعی خود، باید مورد ارزیابی قرار گیرد تا تولید با بیش‌ترین ارزش افزوده در بهترین جایگاه قرار گیرد. به رغم این ارزیابی همواره تولید اهمیت و ارزش خاص خود را داشته و دارد. همچنین، در اندیشه اسلامی جهت‌گیری‌هایی را می‌توان یافت که بر شرایط امروز ما تطبیق می‌یابد. از جمله این مباحث، تأکید جدی و اساسی این دین رستگاری، بر استقلال اقتصادی مسلمانان است. قاعده نفی سبیل به این مقوله اشاره می‌نماید. از این آیه مبارکه به دست می‌آید که مسلمین باید پی جوی استقلال و عزت باشند. بی‌گمان یکی از زمینه‌های مهم دستیابی به استقلال حمایت از تولید و کار است، چنانچه اگر ما در زمینه‌های اقتصادی وابستگی داشته باشیم به استقلال دست نخواهیم یافت و به نوعی، زیر سلطه غیرمستقیم کفار خواهیم بود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در این رابطه می‌فرماید:

«وَأَسْتَعْنِ عَمَّنْ شَتَّ وَ كُنْ نَظِيرَهُ، إِحْتِجْ إِلَى مَنْ شَتَّ وَ كُنْ أُسِيرَهُ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۴)؛ و بی‌نیازی نشان بده و مستغنی باش از هر که خواستی تا تو نظیر و همانند او باشی، و اظهار فقر و نیاز کن به هر کسی که بخواهی تا تو اسیر و زیردست او باشی.

در این نگاه، هرگونه وابستگی به دیگران اعم از سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، در واقع اسیر دیگران شدن است. بدون استقلال و آزادی، هیچ ملتی، فرصت، توان و قدرت نمود ندارد، زیرا ملت وابسته، اسیر است و اسیر، اجازه زندگی شخصی خود را هم ندارد.

حمایت از تولیدات ملی مقدمه نفی سبیل

پوشیده نیست که حمایت از تولیدات ملی، مقدمه‌ای برای نفی سبیل و جلوگیری

از تسلط کافران بر مسلمانان است. لذا باید از باب مقدمه واجب از تولیدات ملی حمایت نمود و استقلال خود را حفظ نمود.

﴿۱۴۳﴾

رهبر معظم انقلاب این امر را در بیانی دقیق این گونه تبیین فرموده‌اند: «ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل نگرفت، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسأله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱).

در نتیجه برای رسیدن به استقلال و عزت و نفی تسلط کافران، باید مقدماتی را فراهم آورد و آن استقلال اقتصادی است و لازمه رسیدن به استقلال اقتصادی، حمایت از تولیدات ملی است.

تحقق نفی سبیل در میدان عمل

حمایت از تولیدات ملی نباید در مرحله شعار باقی بماند و باید با همدلی در صحنه عمل نیز محقق شود. در گذشته نیز عالمانی آگاه با فتاوی بجا و شایسته، از تولیدات داخلی حمایت نموده و راه نفوذ دشمن را سد نموده‌اند و با حرکت جهاد گونه خود و با تمسک به آیه **﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾** به منظور احیای عزت اسلام و بنا به ضرورت، جنبش تحریم کالاهای خارجی و حمایت از تولیدات داخلی را سامان دادند (ر.ک: محمدی، حسینی، ۱۳۹۱، ص ۵۱). یکی از نمونه‌های این حرکت، بیانیه علمای اصفهان در تاریخ

۱۳۲۴ق است. سیزده تن از علمای طراز اول اصفهان، بیانیه‌ای صادر کردند و بر مصرف کالای ایرانی تأکید کردند. آنها در این بیانیه، بر استفاده از پارچه ایرانی اصرار و حتی در زمینه کفن اعلام می‌کنند که ما بر میتی که کفن وی از پارچه ایرانی نباشد، نماز نمی‌خوانیم (همان، ص ۷۵).

در واقع می‌توان ادعا کرد که قاعده نفی سییل، روشن‌کننده نحوه عملکرد کلان و دیپلماسی جامعه اسلامی است. قاعده نفی سییل، هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را مردود می‌داند. پس می‌توان با اندک تأملی دریافت که اگر ما بتوانیم با حمایت از تولیدکننده داخلی - در هر جایگاهی که هستیم و به هر صورتی که قادریم - صنعت مسلمانان را رونق بخشیم و در نتیجه به قدرت مالی و به تبع آن سیاسی و نظامی کشور اسلامی بيفزاییم، درست به مفاد این آیات عمل نموده‌ایم. در نقطه مقابل نیز اگر خرید یا به طور کلی هر حمایتی از کالاهای خارجی، متضمن افزایش قدرت دشمنان نظام یا تضعیف تولیدکننده مسلمان شود، این عمل مطابق مضمون آیه نفی سییل جایز نیست.

در نتیجه اگر حتی روابط تجاری و اقتصادی با کشور مسلمانی، برقرار کنیم که نتیجه این روابط باعث ضعف و رکود اقتصاد کشور شود و در نهایت این کار علتی بر وابستگی اقتصادی و - با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (۹۲/۲/۱۰) - از بین رفتن استقلال کشور بشود، این گونه روابط - به طور غیرمستقیم - می‌تواند راهی را برای تسلط کفار بر کشور اسلامی باز کند که این عمل براساس قاعده نفی سییل مذموم است.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌نویسد:

«و خدای تعالی هرگز کفار را مافوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی‌دهد، معنایش این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی‌شود» (۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۸۹).

پس هرگونه ارتباطی که باعث تسلط کفار بر مسلمانان بشود حتی اگر به

صورت غیرمستقیم باشد براساس این قاعده نفی سییل مورد نکوهش پروردگار است و باید از آن دوری کرد.

﴿۱۴۵﴾

نتیجه گیری

۱. حکومت اسلامی می تواند با کافران غیرمحراب، در همه عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... ارتباط دیپلماتیک برقرار کند. مادامی که این ارتباط سبب سلطه بیگانگان بر قلمرو حکومت اسلامی نشود. بر این اساس، برقراری هرگونه روابط تجاری با دولت های کافر جایز است مگر آن که با «قاعده نفی سییل» ناسازگار باشد.

۲. حمایت از تولیدات ملی یک ارزش دینی است و مقدمه واجب «قاعده نفی سییل».

۳. اگر روابط تجاری و اقتصادی با کشور مسلمانی نیز باعث ضعف و رکورد اقتصاد کشور شود و در نهایت زمینه ساز وابستگی اقتصادی و از بین رفتن استقلال کشور و به طور غیرمستقیم راهی برای تسلط کفار، جایز نیست.

پی نوشت ها

۱. مقصود از حکومت این است که: یکی از دو دلیل به خاطر سیطره و غلبه ای که از جنبه ادا مطلب دارد بر دیگری مقدم شود و به همین خاطر، این تقدیم، حکومت نامیده شده است (مظفر، ۱۳۸۹، ص ۳۸۷).

2. National product
3. Net National Product, (NNP)
4. Gross national product, (GNP)

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. خوانساری، جمال (۱۳۶۶)، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، تصحیح و تعلیق: جلال الدین حسینی ارموی محدث، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، محقق/مصحح: احمد فارس صاحب - الجوائب، چاپ سوم، بیروت، انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۳. بروجردی، سید ابراهیم (بی تا)، تفسیر جامع، تهران، انتشارات کتابخانه صدر.
 ۴. تهنائی، محمد بن علی (بی تا)، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، محقق: علی دحروج، ترجمه عبدالله خالدی / جورج زیناتی، بیروت، انتشارات مکتبه لبنان ناشرون.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، انتشارات مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
 ۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی (رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی): بیانات در اجتماع کارگران کارخانه‌های تولیدی دارو پخش، ۱۳۹۱/۲/۱۰.
- www.farsi.khamenei.ir
۷. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۳۸۸)، العناوین الفقهیه، ترجمه و شرح عباس زراعت، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
 ۸. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقها، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۱۰. ----- (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۱. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، بیروت، دارالفکر المعاصر.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت/دمشق، انتشارات دارالعلم/دارالشامیه.
 ۱۳. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن (للاوندی)، محقق/مصحح: سید احمد حسینی، چاپ دوم، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۱۴. زنجانی، سید موسی شبیری (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح (زنجانی)، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
 ۱۵. زنگنه فرد، مرتضی (۱۳۹۱)، «ضرورت تولید ملی»، سایت کانون قرآن مسجد باقرالعلوم شهرستان شوشتر، ۱۳۹۱/۱۱/۷
- www.kmb.ir/fa/blog/view/34
۱۶. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، محقق: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب.
 ۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۸. ----- (۱۴۰۹ق)، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد صدر بلاغی، تهران، انتشارات صدوق.

۱۹. طباطبائی رحمته الله علیه، سید محمد حسین (۱۳۸۷)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاب بیست و ششم، قم، اشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق)، *المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف*، محقق/مصحح: مدیر شانه چی، واعظ زاده، زاهدی، مصطفوی، فاطمی، موحد و سید مهدی رجائی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
۲۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، محقق/مصحح: علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، مهدی طه نجف و مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. ----- (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، مصحح/محقق: سید محمد تقی کشفی، چاب سوم، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد مقری (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، منشورات دارالرضی.
۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس القرآن*، چاب ششم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۳ق)، *فقه الحج (للسافی)*، چاب دوم، قم، مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام.
۲۷. لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۱۶ق)، *القواعد الفقهية (للفاضل)*، قم، چاپخانه مهر.
۲۸. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۵ق)، *مبانی الفقه النعال فی القواعد الفقهية الاساسية*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. محمدی متکازینی، سید علی و حسینی هرنندی، سید محمد حسین (۱۳۹۱)، *سیره حمایت از تولیدات ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی*، قم، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۳۰. محمدی، علی (۱۳۸۹)، *شرح اصول فقه*، چاب یازدهم، قم، انتشارات دارالفکر.
۳۱. مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ق)، *فقه المعاملات*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. ----- (۱۴۲۱ق)، *مأنة قاعده فقهیه*، چاب چهارم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۹)، *اصول فقه*، ترجمه محسن غرویان، چاب هفتم، قم، انتشارات دارالفکر.
۳۴. مفتخری مظاهری، علیرضا (۱۳۹۱)، *تولید ملی*، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، تهران، بی جا.

۳۵. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، چاپ بیست و پنجم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. ----- (۱۴۲۷ق)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
 ۳۷. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، چاپ سوم، تهران، انتشارات عروج.
۳۸. موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ (۱۴۱۹ق)، القواعد فقهیه، محقق / مصحح: مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی، قم، انتشارات الهادی.
۳۹. موسوی خمینی، سید روح الله (رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران)، ترجمه تحریر الوسيله، ترجمه علی اسلامی و محمد قاضی زاده، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۴۰. ----- (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
 ۴۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۸)، محاضرات فی اصول فقه، تدوین: محمد اسحاق الفیاضی، قم، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۲. مهریزی، مهدی (۱۳۷۵)، «روابط اقتصادی مسلمانان با کافران»، نشریه فقه و اصول فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۷۵.
۴۳. میرداداشی، سید مهدی (۱۳۸۳)، حدود ارتباط با کافران، قم، انتشارات مرکز پژوهش های صدا و سیما.